

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقوری
فرستنده: محمود شاداب
۰۸ دسمبر ۲۰۱۸

[بزم بتان]

چندان من از فراق تو آه و فغان کنم
چون مرده افکنم سر راه تو خویش را
پاس حقوق حسن تو بسیار با من است
قاصد دو روز شد به تو بخشیده عمر خویش
ناصح تو خود بسنج که راه خداست این
یوسف وشی نمی شود هرگز دچار من
ای عشقوری به بزم بتان میبری مرا
کز آب چشم سیل، به کویت روان کنم
شاید به این بهانه دلت مهربان کنم
نگذاریم که رو به سوی آسمان کنم
مکتوب خود به دست که سویت روان کنم؟
دل از بتان بگیرم و کار جهان کنم
هرچند من سراغ ز هر کاروان کنم
آنجا مباد دین و دل خود زیان کنم